

امام حسن عسکری علیه السلام و معنای یک کتاب

تفاسیر روایی در بین شیعه از رواج خاصی برخوردار می باشد لکن باید توجه داشت که شیعه و بزرگان آن غیر از قرآن کریم هیچ کتابی را با تمامی محتوای آن به طور کامل تصدیق نمی نمایند.



تفاسیر روایی در بین شیعه از رواج خاصی برخوردار می باشد لکن باید توجه داشت که شیعه و بزرگان آن غیر از قرآن کریم هیچ کتابی را با تمامی محتوای آن به طور کامل تصدیق نمی نمایند.

در ایام شهادت امام عسکری علیه السلام پدر امام حاضر و ناظر ولی عصر - ارواحنا لثراب مقدمه الفداء - به سر می بریم از این رو مناسب است بعد از تسلیت و تعزیت به مولا و سرورمان حجت بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه - کمی از زوایای زندگی آن بزرگوار را مورد بررسی قرار دهیم. مفسران حقیقی و حیقیکی از ابعاد زندگی همه امامان ما علیهم السلام این است که آنان مفسر و مبین حقیقی قرآن می باشند. «حقیقی»، زیرا آنچه که امروز در بین ما به اسم تفسیر شناخته می شود در واقع تفسیر و پرده برداری از مبهمات قرآن نمی باشد بلکه شرح و ترجمه لغات و معانی عرفیه و تدبر در همین زاویه می باشد اما تفسیر حقیقی که از آن به تأویل نیز می توان تعبیر نمود این است که آن چه را قرآن به طور مجمل بیان کرده تفصیل داده شود. مثلاً قرآن می گوید نماز بخوانید، اما چگونه، چند رکعت، به چه کیفیت، در چه زمانی و مکانی؟ نسبت به تمامی این سالات ساکت می باشد یا به تعبیر روایات "صامت" است. حال قرآن ناطق که حجت حیّ و حاضر خداوند می باشد باید این مجملات را تفصیل دهد و تنها کسی می تواند از پس این امر برآید که متصل به منبع وحی آن هم بدون خطا و سهو و نسیان باشد، اما آن معنی اول از تفسیر که شرح معانی عرفیه و لغات می باشد از هر یک از آحاد عرف بر می آید ، سخن در این زمینه دامنه وسیعی دارد لکن به این مقدار به عنوان مقدمه اکتفا می نماییم. ملاکی برای شناخت درست و نادرستبر اساس همین حقیقت و اعتقاد، تفاسیر روایی در بین شیعه از رواج خاصی برخوردار می باشد لکن باید توجه داشت که شیعه و بزرگان آن غیر از قرآن کریم هیچ کتابی را با تمامی محتوای آن به طور کامل تصدیق نمی نمایند.

به عبارت صریح تر، این فقط برادران اهل تسنن هستند که غیر از قرآن اعتقاد به صحت « صحاح سته » به طور یک جا دارند اما شیعیان حتی به کتاب کافی که معتبرترین کتاب حدیثی شیعی می باشد چنین نگاهی ندارند و اخبار آن را "اخبار آحاد" می دانند و در ردّ یا قبول آن میزان و ملاک های مشخص و شناخته شده ای دارند که در جای خود تبیین شده است. از این جمله موافقت با قرآن و ستّ قطعیه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می باشد و در واقع این خود اهل بیت علیهم السلام هستند که معصوم اند و کلام آنها است که مصون از خطا می باشد. لکن کلام منقول از آنها ممکن است که در دستبرد خطا و نسیان و جعل و دروغ واقع شود. یکی از این مجموعه روایات، تفسیری است منسوب به امام عسکری علیه السلام که شاید لازم باشد در مورد اعتبار آن و کمی هم در مورد نگاه بزرگان شیعه به آن بحث و تحقیق صورت بگیرد. راویان تأمل برانگیز این تفسیر ظاهراً از همان صدر اول بین علمای امامیه شناخته شده بوده و مورد نفی و اثبات نیز قرار گرفته به طور مثال شیخ صدوق(ره) در کتب معروف خود مثل «من لا یحضره الفقیه» و «أمالی» و «توحید» روایاتی را آورده که ظاهراً از این تفسیر گرفته شده است و لو بواسطه راویان دیگر. راویان بلاواسطه این تفسیر از امام عسکری علیه السلام دو نفر به نام های "یوسف بن محمد بن زیاد" و "علی بن محمد بن سیر" می باشند که مدعی هستند از امامیه اند و پدران این دو نیز که بنا بر ادعای خودشان امامی بوده اند و در گرگان می زیستند. اما در همان دوران امام عسکری علیه السلام چون این شهر و شهرهای مجاور تحت تسلط زبیدی ها بوده، این دو خانواده به طور دسته جمعی به امام عسکری علیه السلام پناه می برند و آن حضرت به آنها دستور بازگشت به دیار خود را می دهد لکن می فرماید که دو پسرانتان را در نزد من بگذارید تا به آنها علم بیاموزم که داستان مفصل و عجیبی است. صحت آن بعید به نظر می رسد. مفصل این داستان در مقدمه این تفسیر آمده است. اشتباه آشکار تاریخیمده اشکالی که برخی بزرگان را نسبت به این تفسیر بدبین نموده مطالب غیر قابل تصدیقی است که در آن موجود می باشد. به عنوان مثال از مطالب روشن تاریخی این است که "حجاج" سالها بعد از کشته شدن "مختار" و کشتن "مصعب" که او مختار را کشته بود روی کار آمد اما در این تفسیر آمده است که حجاج، مختار را زندانی نمود و بعداً مختار آزاد شد و انتقام قتلہ کر بلا را گرفت !! (1) از نظرگاه اهل فتیکی از این بزرگان، علامه حلی(ره) می باشد که در کتاب «خلاصة الأقوال» خود این کتاب را جعلی می پندارد. و از محققین معاصر مرحوم شوشتری - ظاهراً علی ما نقل - چهل مورد از مطالب این تفسیر را بر می شمارند که شاهد بر دروغ بودن این کتاب می باشد. و همچنین مرحوم آقای خوئی در کتاب معروف خود می فرماید: کسی که در این تفسیر دقت نماید شک نمی کند که جعلی است، حتی یک عالم محقق هم چنین تفسیری نمی نویسد چه رسد به امام علیه السلام.(2) اما در مقابل، بوده اند برخی از بزرگان که بر کل این تفسیر اعتماد داشته اند. به عنوان مثال شیخ صدوق(ره) که قبلاً ذکر شد. و همچنین مجلسی اول(ره) می فرماید: کسی که با کلام اهل بیت علیهم السلام ارتباط داشته باشد می داند که این تفسیر کلام آنهاست ... و اعتماد صدوق و شهید ثانی بر این کتاب برای ما کافی است. (3) نتیجه سخند هر حال آنچه می توان گفت این است که اعتماد کردن به چنین کتابی با وجود این اختلافات و حرفهای متضاد و نسبت دادن آن به طور جزمی به حضرت عسکری علیه السلام خالی از اشکال نیست و فقط می توان بخشهایی از آن را قبول نمود که در کتب معتبر دیگر نیز موجود است اما قسمت هایی که به نقل آن متفرد است و در جای دیگر نقل نشده، اعتبار آن زیر سال است، چرا که در جای خود به اثبات رسیده است که هنگام شک در حجیت یک اثر، اصل و قاعده، عدم حجیت آن می باشد مگر این که دلیل قطعی بر حجیت آن اقامه شود و راویان مباشر و غیر مباشر این کتاب نیز هیچ کدام توثیق نشده اند. برای تحقیق بیشتر می توانید علاوه بر منابع زیر به ویژه نامه ای که در پایان تفسیر مذکور در همین رابطه منتشر شده است، مراجعه نمایید. در ضمن آقای استادی حفظه الله نیز در این رابطه رساله ای دارند. پی نوشت: 1- تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، صفحات 547 تا 552. 2- معجم رجال الحدیث، جلد 13 صفحه 157. 3- روضة المتقین، جلد 14 صفحه 250 حمید حاج علی